

سخنان روشنگرانه

امام

و موضوعی

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

در باره سازمان مجاهدین خلق

سخنان روشنگرانه امام امت خمینی کبیر در باره سازمان مجاهدین خلق

بسم الله الرحمن الرحيم

از آقایانی که زحمت کشیدند و اینجا آمدند با من مواجه باشند چه آن آقایان کارگران و چه آن آقایان ارتشیان و چه اشخاص متفرقه از همه تشکر میکنم و بعن اگر خدمتگزار بگویند بهتر از این است که رهبر بگویند. (در اینجا حضار به شدت گریستند و تکبیر جمعیت) امام افزودند: من امیدوارم که همه ما چه شما آقایان کارگر و سایر رفقاتان و چه آن آقایان ارتشی و سایر رفقاتان و چه سایر قشرهای این ملت توجه به یک مسئله قابل اهمیت داشته باشند و آن که شما میدانید و خصوصاً " شما کارگرها میدانید که از اول انقلاب تا حالا چه اشخاصی و چه قشرهایی بودند که مبارزه با انقلاب کردند، با شکلهای مختلف و مرامهای مختلف که رویهم رفته همه شکلهای و مرامها بر ضد این انقلاب بر ضد اسلام بوده است. این گروههایی که بعد از انقلاب جوشیدند و بیرون آمدند و گاهی ادعای اسلامیت میکنند. و از شما مسلمان تر میشوند و گاهی ادعای انقلابی بودن میکنند و از شما انقلابی تر میشوند و گاهی خودشان را مؤسس انقلاب میدانند و انقلاب را که این توده محروم ملت ما از کارگر و کشاورز و دانشجو و شما همه، انقلاب را به پایان رساندید یعنی تا اینجا، و آنها یا در خارج بودند و تماشاکر، و یا در داخل بودند و تماشا میکردند که ببینند چه کسی غالب میشود. اگر چنانچه شاه مخلوع و آنتیپ غالب شدند اینها بروند آنجا و از آنها طلب کاری کنند و اگر شما غالب شدید و ملت، اینها بیایند به

اسمهای مختلف طلبکار بشوند و بخواهند خودشان همه چیزها را داشته باشند حتی با اسم شما، با اسم کارگر، کارگر را به حساب نیاورند با اسمهای مختلف مشغول بشوند به اینکه نگذارند این انقلاب به ثمر برسد. یعنی این ثمر آخری که اسلام میخواهد و پیغمبر اسلام میخواسته است اینها چون از اسلام لطمه دیدند و اربابهای اینها از اسلام سیلی خورده است، اگر با اسلام سابق هم کم مخالف بودند، حالا دیگر صد درصد مخالفند. این گروههای مختلفی که مثل قارچ از زمین جوشیدند و آمدند و از اطراف کشورهای دیگری که در آنجا متفرق بودند و منتظر فرصت بودند حالا به ایران آمدند و میخواهند نگذارند این انقلاب تحقق پیدا بکند.

توطئه گروههای خلقی علیه انقلاب

این یک خطری است از برای انقلاب ما نه به آن معنا که اینها عرضه اینرا داشته باشند که یک کار مثبتی بکنند و این انقلاب را برگردانند، لکن به آن معنا که ایجاد زحمت بکنند شما ملاحظه کردید که در کردستان ایجاد زحمت کردند، نه اینکه توانستند غلبه بکنند لکن مدتها ایجاد زحمت کردند، در تهران ایجاد زحمت کردند، نمیتوانند کاری بکنند لکن غائله میتوانند درست بکنند. در هر موقعی که یک اساسی میخواهد روی کار بیاید، این جمعیتهای مختلفی که الان در ایران هستند در همین موقع یک غائله ای درست میکنند، از اولی که بنا بود جمهوری اسلامی را شماها و ملت ما رای به آن بدهید آنوقت یک غائله‌هایی در اطراف درست کردند. این قدم که برداشته شد، در هر مرحله‌ای که شما یک قدم پیش رفتید، آنها هم در همان جا باز غائله درست کردند. در همان وقتی که مجلس شورای اسلامی تاسیس شد و مشغول بکار شدند باز غائله درست کردند، غائله درست میکنند و خودشان غائله درست میکنند و فریاد میزنند، خودشان دیگران را را کتک میزنند باز خودشان فریاد میکنند.

این یک جهتی است که در اینها هست، یعنی روی این ترتیب اینها عمل میکنند که نگذارند شما کار بکنید. نگذارند خرمشهری‌ها کشاورزها درست جمع بشود و در عین حال فریاد بزنند که ما برای ملت داریم فداکاری میکنیم.

اینهایی که در کنار جمهوری اسلامی هستند و میخواهند به اسم جمهوری اسلامی ، به اسم اسلام به اسم خلق به اسم ملت کار بکنند ، اینها را ببینید چه میکنند . ممکن است من هی بگویم اسلام ، هی بگویم فدائی اسلام و فدائی خلق و هی بگویم مجاهد اسلام و مجاهد خلق . این حرفها را بزنم لکن وقتی که اعمال من را شما ملاحظه بکنید ببینید که از اول من مخالفت کردم ، در هر جا تفنگ کشیدم و مخالفت کردم و هر جا بنا بود که یک اصلاحی بشود ، شما دیدید که من آمدم و مقابلش ایستادم و مشتم را گره کردم و تفنگم را کشیدم . میخواستند دانشگاههایی را که در خدمت استعمار بود و جزء مهمات این مملکت است که باید دانشگاهش اصلاح بشود همچنین که طرح اصلاح دانشگاهها بمیان آمد ، سنگربندی شد ، در دانشگاه که نگذارند این کار بشود ، حالا هم باز پشت همان سنگرها ، اما نه در دانشگاهها ، اما در خارج ، دنبال این هستند که نگذارند این اصلاح فرهنگی بشود و این انقلاب فرهنگی بشود . اینها میخواهند که فرهنگ همان فرهنگ باشد از داخلش امثال آن اشخاصی که وزیر و وکیل سابق بودند اینها درآیند و همینها این کشور ما را به باد فنا بدهند چنانکه دادند . همان وکلایی که در سابق بودند و همان وزرائی که در سابق بودند و همان سردمدارهای سابق ، همان تحصیل کرده‌ها و روشنفکرهای دانشگاه داخل و خارج بودند و همان مصیبتهایی که به این ملت وارد شد به دست همین اشخاصی که به اسم ملت و به اسم مجاهدت و به اسم فدائی و با اسم چه ، وارد شدند و نگذاشتند که این ملت بحال خودش باشد و هر چه شما داشتید به جیب دیگران کردند و یکقدری از آنرا هم خوردند . دارودسته شاه مخلوع همین جمعیتها بودند که الان بر خلاف این نهضت دارند فعالیت می‌کنند .

غائله امجدیه

هر روزی که این نهضت بخواهد یکقدم بردارد ، مجلس شورا میخواهد مفتوح بشود می‌بینیم که یک بساطی در امجدیه پیش‌می‌آید . یک غائله درست میشود ، و مع الاسف جوانهای ما مطلع نیستند که اینها دارند چه میکنند این اشخاص دارند چه میکنند و بعضی از اشخاصی که با من هم مربوط هستند ، اینها هم ملتفت

نیستند که عمق مسائل چیست .

خیال میکنند که مسئله چماقدار است و تظاهر کننده ، مسئله این نیست ، این یک ظاهری است برای آشوب درست کردن ، مسئله عمق دارد مسئله امریکاست مسئله این است که باید امریکا بیاید اینجا و مقدرات کشور ما را بدست بگیرد . نه مسئله این است که بکعبه میخواید تظاهر کند و بکعبه میخواید ضد تظاهر ، اینها مسئله نیست اینها غائله ایجاد کردن است برای اینکه نگذارند این مملکت بحال خودش باشد و روی یک میزانی که دارد حرکت میکند حرکت شما آقایان کارگر که عضو موثر این کشور هستید . برای اینکه دست دیگران را از این کشور کوتاه بکنید دیدید که در این یکسال و چند ماه مرتبا " آمدند در بین شماها هی نطق کردند یا وسوسه کردند یا یکدستهای را وادار کردند به اعتصاب و امثال و ذالک به اسم اینکه ما طرفدار شما هستیم . اگر کارگر در یک کشوری کار نکند و اعتصاب کند آن کشور به هلاکت میرسد . اینها که به اسم اینکه ما با شما موافقیم و مثلا " شما چه جور و آنها چه جور نمیخواهند برای شما دلسوزی به حسب واقع داشته باشند با اسم دلسوزی میآیند و کارخانههای مملکت را فلج میکنند و با اسم دلسوزی میروند و کشاورزی را فلج میکنند همینها هستند که وقتی کشاورزها خرمن-هایشان را جمع میکنند آتش میزنند ، الان هم باز دارند آتش میزنند و اگر محافظت صحیح نشود ، همایش را آتش میزنند . ما دشمن نهضت و انقلاب را از این می فهمیم که آنها می گویند که با این انقلاب راه دارند میروند با این ملت راه میروند با این کشاورز و کارگر دارند راه میروند و میخواهند کشور را از قید و بند خارجی ها آزاد کنند ، آزاد کردن به کار کردن هست و کشاورزی کردن است و کار در کارخانهها کردن است و کار در سایر جاها کردن است .

مردم باید بیدار باشند .

کشور ما اگر بخواهد آزاد باشد اگر بخواهد مستقل باشد وابسته به خارج نباشد باید خودش کار کند اینهایی که میآیند در میان شماها و مانع از کارتان میشوند یک دستهای درست میکنند و مانع از کارتان میشوند یا اینکه پولها را از خارج بهشان

میدهند که بیایند به بعضی از این کارگرهای غافل تا اعتصاب بکنند و آنهایی که در کشاورزی میروند ایجاد زحمت میکنند ، یا آنهایی که در سرتاسر کشور شلوغ میکنند کشور را ، به اسم اینکه این آدم خانه دارد این آدم ملک دارد ، بدون یک میزان شرعی و الهی میریزند و خانه‌اش را غارت میکنند و خانه‌اش را از او میگیرند ، اینها ریشه همان رژیم سابق هستند و ما از آن غافل هستیم ، آنها نمی‌توانند به این زودی دست از ما بردارند ، آنها منافعشان ، منافع عظیم‌شان چه منافع مادی‌شان و چه منافع این که کشور ما در یک حالی هست و در یک جایی است که همه محتاج به آن هستند ، کشور ما آنست که پل پیروزی شد برای اشرار و برای اجانب ، اینها به این زودی دست از ما برنمی‌دارند ، ما نباید غافل باشیم ، حالا که آزاد شده‌ایم خودمان هم کمک کنیم برای شلوغ کردن ، برای اعتصاب کردن برای مخالفت کردن‌ها ، ما باید متوجه باشیم به اینکه یک مملکتی که انقلاب در آن پیدا میشود دنبال انقلاب خیلی آشفستگیها هست ، شما آقایان متوجه هستید که لاقط در این پنجاه و چند سال که همه‌اش را من یادم است و کمی از شما تمامش را بیاد دارید این کارهای اخیر شاه مخلوع را همه شماها یادتان هست .

با اسم تمدن بزرگ ، با اسم اینکه من میخواهم این مملکت را در دو سه سال دیگر مثل ژاپن بلکه مثل آمریکا کنم . با این اسم تمام حیثیت این مملکت را از دست داد و تقدیم آنهایی که باید بکنند کرد . البته آن کسی که میخواهد خرابکاری کند نمی‌آید اعلام کند که من خرابکارم ، او می‌آید اعلام میکند که من دوست شما هستم ما فدائی شما هستیم و این آخوندها ارتجاعی هستند و اینها حرفهای بیخود میزنند و اینها طرفدار مثلا " سرمایه‌داری هستند و اینها اگر یک‌کسی واقع مطلب را بهشان بگوید که کارش اصلا " پیش نمیرود ، اینها باید بگویند که آخوندها مرتجعند و آخوندها چه‌اند و ما هستیم که برای شما میخواهیم خدمت بکنیم در همان حالی که دارند میگویند که ما هم میخواهیم خدمت کنیم کردستان را درست میکنند .

توطئه گروههای خلقی در کردستان و

یک وقت ببینید که از همه اطراف این گروهها ، همه این گروههایی که این

مفسده‌ها و این میکروبها را درست میکنند جمع میشوند در کردستان و آنجا فساد میکنند . همچون که کردستان یکقدری روبه‌آرامش میشد می‌بینند دیگر نمیتوانند از آنجا جمع میشوند و میروند به بلوچستان و آنجا را خراب میکنند . اگر بلوچستان هم درست بشود ، می‌آیند مرکز در مرکز بهتر میتوانند فعالیت بکنند برای اینکه یک جای بزرگی است در مرکز می‌آیند به اسم اسلام و به اسم قرآن و به اسم کذا و کذا ، غائله ایجاد میکنند که نگذارند این مملکت یک آرامشی پیدا بکند . این یکسال و چند ماهی که انقلاب اسلامی شما با دست توانای شما ملت اسلام به پیش رفتید و تمام چیزهایی که مربوط دستگاه دولتی و جریان امور مملکتی است درست کردید ، از جمهوری اسلامی تا مجلس شورای شما ، چندین دفعه رفتید به پای صندوقها و باز رای دادید و آزاد آزاد رای دادید ، این بکتیری است در چشم این اشخاصی که اسلام را نمیخواهند ببینند ، اینها میدانند که اگر این نهضت اسلامی نبود نمیشد به این زودی این کارها انجام بگیرد . این کارها از قدرت اسلام است که پیش میبرد شما میدانید که بیشتر از بیست سال است که در کشور عراق که در همسایگی ماست به اصطلاح خودشان انقلاب کردند و حالا امسال برای تقلید از ایران برای اینکه بگویند ما هم بله آدمی هستیم ، امسال شروع کردند به انتخابات و آنهم بلاشکال بدانید که آن انتخابات بدتر از انتخابات زمان شاه مخلوع است نه این است که مردم را ببرند آنجا رای میدهند همان طوری که زمان شاه مخلوع یک دسته‌ای را راه می‌انداختند .

یک جایی را فشار می‌آوردند یا با زور و یا با تطمیع مردم را پای صندوق می‌بردند و برای خودشان رای درست میکردند ، اینها بدتر از آنها هستند اینها می‌بینند که در ایران ظرف یکسال و چند ماه تمام اصولی که باید در یک کشوری برای جریان امور باشد تحقق پیدا کرد و خودشان بعد از بیست و چند سال نتوانستند یکی از این کارها را بکنند . هی با سر نیزه با زحمت و کتک زدن با حبس و کشتار و اینها نمیتوانند ببینند این انقلاب اسلامی شما را و وقتی تحلیل میکنند که خوب چه شد آدم اینجا با آدم جاهای دیگر که هر دو آمدند و همه جا را هم یکی دارد رهبری میکند و میگوید من رهبر و همه جا هم یک حزبی پیدا میشود و میگوید

من حزب ، لکن در ایران چه چیزی بود که به این سرعت معجزه آسا پیشبرد کرد . وقتی تحلیل میکنند همه این چیزها را می بینند که مکتب بود که اینکارها را کرد . این مکتب اسلام است که این کار را کرد مردم برای خدا اینکار را کردند . وقتی خدا آمد در بین مردم ، یعنی مردم شدند دست خدا ، وقتی برای خدا کار کردند و مشتها برای خدا گره شد و الان هم همینطور انشاء الله هست و تا آخر باشد و خوب آن چیزی که باید هدف قرار بدهند باید اسلام باشد و آنهاییکه به اسلام نزدیکترند و آنهایی که احکام اسلام را میخواهند به مردم بگویند راهی را باید هدف قرار بدهند تا کم کم به محتواییکه انقلاب دارد از آن بگیرند و وقتی محتوایش گرفته شد و ظاهری محتوایش ضربه آخر را بزنند ، ضربه آخر که برگردانند مطلب را به همان مسائل اول با یک صورت دیگری البته برگشت مثلا " شاه مطرح نیست .

ترس از اسلام انقلابی

پیش آنها مطرح اینست که اسلام نباشد ، اصلا " هر چه میخواهد باشد . الان هم همین قشرهای بعضی از این روشنفکرها میگویند این مجلس ملی باشد ، مجلس شورای ملی ، چون اسمش در قانون ملی بوده از اسلام میترسند ، مجلس اسلامی نباشد ، شورای اسلامی نباشد . اینها نه اینکه ملی اش را میخواهند ، اسلامیش را میخواهند نباشد . در صورتیکه قانون چنین مادهای ندارد که مجلس شورای ملی باشد . در قانون همچنین چیزی نیست بلکه گفته اند از باب اینکه اسم باید ببرند یک چیزی را مجلس شورای ملی گفته اند ، اما نه اینکه قرارداد دهند که اسم این مجلس شورای ملی ، مثل اینکه بگویند مثلا " مجلس شورا ، بگویند در کاخ سنا چطور شده است . این معنایش این نیست که الان قانون اسلامی ما کاخ سنا خواسته درست کند . این جایی است که آنوقت بوده ، حالا باید مجلس شورای اسلامی باشد . اینها حتی از اسم اسلام میترسند ، هی نق میزنند که ملی ملی . اینها نه اینست که من باب یک اتفاق اینجور شده است که هر وقت شما خواستید یک مطلبی را درست کنید یک اجتماعی درست کردند و بهم ریختند ، همه چیز را و اذهان

را از یک جایی بردند به جای دیگری. اینها میخواهند اذهان ملت را از این مسیری که خودش دارد برگردانند به یک مسیر و راه دیگری، هر راهی میخواهد باشد. یک غائله‌ای ایجاد میکنند که مردم متوجه بشوند، ولو حالا یک مقداری متوجه بشوند یک غائله‌ای درست میکنند ولو یکماه مردم متوجه به این غائله بشوند شاید بشود در این یک ماه کاری کرد. باید متوجه باشید باید شما دشمنان را بشناسید اگر نشناسید نمیتوانید دفعش کنید. دشمن شما آنهایی هستند که از روز اولی که جمهوری اسلامی آمد توی کار یا تحریم کردند رای دادن را و یا ریختند و صندوقها را آتش زدند و بعضی از صندوقها را به آتش کشیدند و شکستند. اینهایی که جمهوری اسلامی را تحریم کرده‌اند حالا آمده‌اند طرفدار جمهوری اسلامی شده‌اند، آنهایی که آتش میزدند صندوقهای آرای مردم را برای جمهوری اسلامی، حالا آمده‌اند طرفدار شده‌اند. این طرفداری نیست این یک حقه‌بازی است بصورت طرفداری، اگر بخواهم بگویم من به اسلام کاری ندارم و من ضد اسلام خوب میدانم که مملکت ایران اسلام است و نمیگذارد که اینها یک کاری بکنند، چاره ندارد جز اینکه بگویند ما اسلامی هستیم. لکن ما اعمالشان را باید ببینیم چطوری است. غائله‌هایی که برپا میکنند باید ببینیم چطوری است، از اول تا حالا غائله برپا کرده‌اند این گروههای مخالفی که هر کدام یک اسمی برای خودشان درست کردند یک غائله برپا کردند که نگذارند که شما آن مسیری را که باید بروید، آن صراط مستقیمی را که باید بروید آن چیزی را که خدای تبارک و تعالی پیش پای شما گذاشته و باید بروید نگذارند اینکار بشود. آنهاییکه وقتی محمدرضا در اینجا بود در دربارش خدمتگزار بودند، حالا ضد محمد رضا شده‌اند. این ضدیت نیست این ضدیت برای این است که شما خیال کنید و بازی بدهند من و شما را و خیال کنیم که اینها اسلامی هستند و یا بیطرف بشویم نسبت به آنها و یا طرفدار بشویم، توانستند که جوانهای پاک و صاف و صحیح ما را گول بزنند با تبلیغاتی که بلدند و خوب هم بلدند. ملت باید توجه داشته باشند که گول اینها را نخورند اینهایی که برای اسلام دارند سینه میزنند ببینند اعمالشان چیست، ببینند اینهایی که میگویند اسلام آیا در عمل هم اینطوری هستند؟ یا یک سنگر بندهائی هستند که

با اسم اسلام میخواهند اسلام را از بین ببرند و گرنه دزدهای سرگردنه هم اسم اسلام را روی خودشان میگذارند لکن دزدی میکنند . باید ما با اسم گول نخوریم . بلکه ببینیم چه میکنند . ببینیم سابقه این‌ها چی هست؟ ببینیم کتابهایی که اینها می‌نویسند محتوایش چی هست ببینیم این تبلیغاتی که اینها میکنند چی تبلیغ میکنند . بمجرد اینکه بگویند که من مسلم هستم فایده ندارد . این ادعا الان همه میگویند ما مسلم هستیم . همه میگویند که ما انقلابی هستیم کسی نیست بگوید من انقلابی نیستم ، هر کس میگوید من انقلاب را درست کردم این ملت بیچاره ، این ملت بزرگ ما این ملتی که با دست خالی رفت توی میدانها و توی خیابانها و مشتش را پر کرد و مخالفت کرد با رژیم سابق و با همه ابرقدرتها و مطلب را به اینجا رساند ، حالا من آدم می‌نشینم میگویم من رهبر شما هستم ، غلط می‌کنی که هستی ، یا آن یکی میگوید نه ما این کار را کردیم . آخر کجا این کار را کردید؟ اگر یک دزدی را یک جایی کشتند و از طایفه شما بود .

منافقین همه را فریب میدهند .

آنوقت شما میشود انقلابی باید ببینید چکاره هستید این جمعیتهایی که افتادند توی این مملکت و دارند خرابکاری میکنند و مع الاسف بعضی از اشخاص هم که متوجه این مسائل نیستند یک وقت آدم می‌بینند که طرفداری از اینها کردند و یا چیزی گفتند و آنها از او استفاده و طرفداری کرده‌اند اینها گول میزنند همه را گول میزنند اینها میخواستند مرا گول بزنند ، من در نجف بودم اینها آمده بودند که من را گول بزنند ، بیست و چند روز بعضی‌ها میگویند بیست و چهار روز من حالا عددش را نمی‌دانم بعضی از این آقایانی که ادعای اسلامی میکنند بعضی‌هایشان در نجف آمدند ، بیست و چند روز آمد در یک جایی و من فرصت به او دادم تا حرفهایش را بزند ، او بخیال خودش که میخواهد مرا اغفال کند . مع الاسف از ایران هم بعضی از آقایان که تحت تاثیر آنها واقع شده بودند خداوند رحمتشان کند ، آنها هم اغفال کرده بودند ، آنها را و آنها هم به من کاغذ سفارش نوشته بودند ، بعضی از آقایان محترم از علماء آنها به من کاغذ نوشته بودند که اینها "انهم

فطیه " قضیه اصحاب کهف " من گوش کردم به حرفهای اینها که ببینم اینها چه میگویند ، تمام حرفهایشان از قرآن بود و از نهج البلاغه تمام حرفها ، من یاد یک قصه ای افتادم که در همدان اتفاق افتاده بود ظاهراً " زمان مرحوم حاج سید عبدالمجید همدانی یک یهودی آمده بود خدمت ایشان مسلمان شده بود . ایشان دیده بود که بعد از چند وقت این یهودی خیلی مسلمان است و اینقدر اظهار اسلام میکند که ایشان به او تردید کرده بود که این شاید قضیه ای باشد ، یکوقت خواسته بودش و گفته بود که تو مرا میشناسی ؟ گفته بود که بله شما از علمای اسلام هستید . چطور ؟ میدانید که پدران من کیستند ؟ بله پیغمبر از اجداد شماست . خودتان را میشناسید ؟ بله من پدرانم یهودی بودند و خودم مسلمان شدم . گفته بود سر این را به من بگو که چرا تو مسلمان تر از من شدی ؟ مردک فهمیده بود که این آن چیزی را که میخواهد بازی کند فهمیده است فرار کرده بود . اینکه آمد بیست و چند روز آنجا و تماشا از نهج البلاغه و تماشا از قرآن صحبت میکرد . من در ذهنم آمد که نه این آقا هم همان است " خنده حضار " و الا تو خود اعتقاد به خدا و اعتقاد به چیز دیگری چرا می آیی پیش من ، من که نه خدا و نه پیغمبر و نه امام هستم . من طلبه ای در نجف هستم این آمده بود که مرا بازی بدهد و من همراهی کنم با آنها ، من هیچ راجع به اینها حرف نزدم ، همه حرفهایشان را گوش کردم . فقط یک کلمه را که گفت ما میخواهیم قیام مسلحانه بکنیم - گفتم نه خیر شما نمیتوانید قیام مسلحانه بکنید ، بیخود خودتان را به باد ندهید . اینها با خود قرآن و خود نهج البلاغه میخواهند ما را از بین ببرند و قرآن و نهج البلاغه را از بین ببرند ، همان قضیه زمان حضرت امیر و قرآن را سر نیزه کردند که قرآن حکم ما باشد . حضرت امیر مظلوم بود واقعا " هر چه به این بدبختها گفت اینها حيله دارند میکنند . بگذارید گذشت مطلب الان این مرکز را میگیرند جمع شدند دورش و شمشیر کشیدند گفتند میکشیمت اگر چنانچه نگوئی برگردند ، قرآن اینطور نوشته . مجبور شد حضرت امیر که امر کند که لشگری که الان فتح میکردند یک ساعت دیگر اگر مانده بود فتح میکردند برگشتند و شکست همان شد که خوردند و بعد از اینکه آن مسائل واقع شد ، باز همین عده ای که اینجا شمشیر کشیده بودند

اسلام همیشه درگیر خطر منافقین بوده است .

باید ما ببینیم که عمل اینها چیست؟ آنها در پیشانی‌شان آثار سجده بود . این ملجم در پیشانی‌ش آثار سجده بود . ببین چه کرد . با این آثار سجده چه آمده که بکند . اسلام همیشه گرفتار یک چنین مردمی بوده است که با اسم اسلام میخواستند اسلام را بکوبند مگر محمد رضا قرآن طبع نمی‌کرد؟ مگر سالی یک دفعه نمی‌رفت به مشهد؟ مگر دائما " دست از عدالت اسلامی و عدالت چه و چه نمی‌کرد؟ مگر نمی‌گفت حضرت عباس مرا در یک قضیه‌ای نجات داد؟ " خنده " حصار " میگفت اینها را ، اینها یکی از قدرتهای واقعا " قدرت است ، قدرتهای بزرگی که دارند این است که با جدی بدون اینکه هیچ پرده حیایی در کار باشد . جدا میگویند که این کار را خدا کرده است و ما آن کار را دنبال خدا هستیم ، " و ما دنبال چه هستیم ، که شاید شماها مگر یک وقتی ببینید و باورتان بیاید . خیلی‌ها باورشان آمده بود که خوب یک شاهی است که میگوید قرآن را دارد میگوید؟ اسلام را دارد میگوید فلان خوب چه کارش دارید؟ ما مدتی باید زحمت این را بکشیم که این چهره دوم اینها را به مردم بفهمانیم . این یک چهره است ، یک چهره با اسم قرآن ، اسم خدا ، اسم نهج البلاغه ، اسم اینها می‌آید در میدان ، خطرناک است . ما اگر بتوانیم چهره دوم این جمعیتها را ، آن چهره " دوم امثال محمد رضا را به مردم معرفی کنیم ، آن وقت ما پیروز میشویم و این در قضیه " محمد رضا شد ، چهره " دومش را به قاعده نشان داد . مادر هر قضیه‌ای که واقع میشویم می‌بینیم که روحانیت هدف است . محمد رضا هم در نطقهایی که کرده بود و میکرد ، اینها را میگفت که عمال ارتجاع هستند . حتی اینها میگفتند که اینها عمال انگلیسیها هستند . این را خودم با گوشم در یک اتومبیلی که در تهران نشسته بودم . دیدم که آن یکی به او میگفت ما ۳ نفر بودیم که معمم بودیم گفت من مدت‌ها است که این هیكلها را ندیدم اینها را انگلیسیها درست کردند در نجف و قم برای اینکه ملت ما را چه کنند . الان هم مادر آن دوره عمال انگلیس بودیم و ارتجاعی الان هم ما ارتجاعی

هستیم! الان هم روحانیون ما ارتجاعی هستند! روشنفکرها آنها هستند! در تمام مدتی که رضاخان آمد و کودتارا به پا کرد تا آخر آنچه در مقابلشان ایستاد و مشتش را گره کرد، همین مرتجعین بودند، همین آخوندهای مرتجع بودند. همینها قیام کردند برضد او، همینها روشنگری کردند به مردم، و مردم را خواستند آگاه کنند. و همین جمعیت لطمه خوردند و میخواهند مردم را از اینها جدا بکنند. دانشگاهیان را بیشتر جدا کرده بودند و حالا میخواهند همه مردم را از این جمعیت جدا بکنند تا هر کاری که میخواهند بکنند دیگر کسی نباشد که بگوید چرا که یک جمعیتی هم بدنالش چرا بگوئید. من یک مطلبی را باید بگویم که به همه ملت ایران و به همه روحانیون ایران، من خوف این را دارم که بعضی از این معممینی که در بین روحانیون خودشان را جا زده اند و خرابکاری دارند میکنند در بعضی از جاهائی که اینها یک چیزی دستشان آمده است، من خوف این را دارم که اینها چهره اسلام را برگردانند از آن چیزی که هست. من به روحانیون ایران میگویم به اینکه این اشخاصی را که خودشان را جازده اند یا رفتند در کمیته و یا رفتند در جاهای دیگر این اشخاص را شما به مردم معرفی کنید که اینها ربطی به ما ندارند. یک وقت ما میفهمیم که سراسر ایران کمیته امام درست شده است. این امام کی هست که کمیته درست شده؟ چه اطلاعی از این دارد؟ ما بی اطلاع بودیم، هر کس خودش خواسته یک کاری بکند با اسم فلان. چند روز پیش از این در حضرت عبدالعظیم غیر آن کاری که آقای خلخالی کرد که آن مطلب صحیحی بود. یک شیخ دیگری که کسی است من نمی شناسمش، به اسم نماینده فلان، نماینده امام به قول خودش رفته یک مقبره هائی را خراب کرده و مقبره هائی که اختصاص به اشخاص داشته و ملک شخصی بوده مقبره هائی که موقوفه بود، خانه ای که موقوفه بوده، خراب کرده. اینها یک اشخاصی هستند که با نمی فهمند دارند چه می کنند. و اگر خدایی نخواسته بفهمند. اشخاصی هستند که میخواهند نهضت را به تباهی بکشند. من به سرتاسر کشور ایران، به سرتاسر روحانیون ایران این خطر را که برای اسلام پیش آمده و برای روحانیت پیش آمده میگویم به شماها و حجت را بر همه تمام میکنم. این آخوندهائی را که خودشان را جازدند و میروند

و مردم را آزار میدهند و اذیت میکنند، بدون یک مجوز شرعی الهی، اینها را از خودشان برانند.

اینها نماینده من نیستند؛ این با اسم نماینده فلان میخواهند کار را شلوغ بکنند تا اینکه ملت بگویند این هم نماینده این اشخاص هستند. و باز باید بگویم که این پاسدارهایی که انصافاً در این کشور خدمت کرده‌اند و دارند خدمت میکنند و وجودشان مفتنم است برای این ملت و زحماتشان پیش خدا مفتنم است، گاهی وقتها در بینشان یک کسی جا میزند و آبروی اینها را از بین میبرد. یک کسی می‌آید به اسم اینکه من پاسبان هستم یا اینکه "خیر" یک مقدس مآبی هم میکنند و او را به اسم پاسبان می‌شناسند، می‌آید و بعد میرود یک دفعه ما میبینیم که خانه یک نفر را غارت کرده‌اند، پاسبانها کرده‌اند. بابا این پاسبان نیست، پاسبان اسلامی است آدم مسلمان که نمیرود خانه مردم را غارت کند، آدم مسلمان که نمیرود ملک دیگری را مصادره کند اینها یک دسته دیگری هستند که آمده‌اند و اینکارها را میکنند. باید ما بفهمیم که ما اینکاری را که تا اینجا آوردیم چطور به آخرش برسانیم و به هرج و مرج نکشد. البته که دولت اسلامی این زمین‌خوارهای بی‌انصاف را و این مفتخورهای بزرگ را سر جایش خواهد نشاند و محاسبه باید از آنها بکنند، حسابشان را میکشند، اما این معنایش این نیست که پاسبانها بریزند و هر کاری دلشان میخواهد بکنند. یک جا به حق باشد و ده جا هم بی‌حق و صدای مردم را در بیاورند. اینها متوجه نیستند که یک اشخاصی بین اینها آمده است و خودش را جا زده مثل این که توی روحانیون آمده و خودش را جا زده و دارد خرابکاری میکند تا به اسم اسلام خرابکاری بکند و اسلام را بکوبد. باید توجه داشته باشید باید متوجه باشید که آنهایی که خرابکاری میکنند آنهایی که بجان مردم می‌افتند و اینکارهایی را که می‌گویند دارند میکنند، خوب یک دسته‌ای جهاد سازندگی است خوب بسیار خوب است و از اول هم این معنا بود و خیلی هم زحمت میکشند و خیلی هم اجر می‌برند، اما در بین همین جهاد سازندگی یک افرادی پیدا میشوند که بر خلاف موازین قانونی و اسلامی، بر خلاف مقررات دولتی و اسلامی یک کارهایی انجام میدهند که صدای مردم در بیاید که جهاد سازندگی دارد پدر ما

را در می‌آورد . همین امروز هم یکی از علماى مشهد بمن اینرا میگفت صالح و فاسد را بشناسید ، مفسد و مصلح را بشناسید توجه داشته باشید که چه کسی دارد خلاف میکند به اسم اسلام ، چه کسی دارد خرابکاری میکند به اسم اسلام ، اگر عمامه سرش است بزنی‌دش کنار خود معمین بزنی‌دش کنار ، اگر بین پاسدارهاست پاسدارهای مسلح مسلم اسلامی که همه زحمت را بعهده دارند بزنی‌دشان کنار ، اگر در ارتش است ارتشیه‌ها بزنی‌دش کنار ، ژاندارمری است آنها بزنی‌دش ، در بازار است بازاریه‌ها بزنی‌دش کنار ، در کارخانه‌هاست آنها بزنی‌دشان کنار . اینها در هر جایی میخواهند یک نفوذی بکنند و یک افسادی بکنند به اسم اسلام و این برای نهضت شما خطیر است ، با اسم اسلام میخواهند اسلام را در بین مردم خود مملکت مشوح نمایش بدهند و بعد صورتش را بدنمایش دهند و این یک جرم بزرگی است که آنها مرتکب میشوند و ما هم اگر ساکت باشیم برای ما جرم است باید بگوئیم و شماها عمل کنید . کسانی که با اسم اسلام می‌آیند و میخواهند خرابکاری بکنند و مثلاً " یک کارهای زشتی بکنند و خلاف اسلام بکنند اینها اسلامی نیستند . اینها ضد اسلام هستند ، ضد انقلاب هستند و در بین جمعیتها نفوذ کرده‌اند ، همه جا هست . ملت ما باید هوشیار باشد و الان هوشیاری از اول بیشتر لازم است . اول آنکسی که مخالف با اسلام بود مردم میشناسندش ، سازمان امنیت را همه مردم میگفتند اینها برخلاف ملت و اسلام هستند و آنها را میشناختند ، آن سردمدارها را هم مردم میشناختند و چون میشناختندشان با آنها مبارزه میکردند ، مبارزه با آنها آسان بود منافقها هستند که بدتر از کفارند ، آنکسی که میگوید مسلمان هستم و به ضد اسلام عمل میکند و میخواهد به ضد اسلام عمل بکند او هست که در قرآن بیشتر از آنها تکذیب شده است تا دیگران ما سوره منافقین داریم اما سوره کفار نداریم . سوره منافقین از اول شروع میکند و اوصافشان را میگوید . اسلام همیشه گرفتار یک چنین جمعیت‌هایی بوده است ، در صدر اسلام زیاد ، در زمان حکومت امیر-المومنین سلام اله علیه اینها زیاد بودند ، در زمان خود پیغمبر اکرم (ص) هم زیاد بودند و همینطور در طول تاریخ اسلام گرفتار یک چنین مسائلی بوده است و گرفتار اینکه اشخاصی هم از خود مسلمانها مردم خوب ، مردم اسلامی از اینها گول

میخوردند . از این اشخاصی که با صورت اسلامی میآمدند و یک کارهایی میکردند گول میخوردند . یکی از این ثروتمندهایی که در یک زمانی آمد نجف پیش من ، منکه راجع به قضیه ایران صحبت میکردم میگفت میترسیم بدتر شود ، نه آقا شما نمی ترسید بدتر شود شما از خویش میترسید! آنوقتی که رضاخان عمای معممین را بر میداشت بعد هم یک حوزه امتحانیه گذاشته بود به اصطلاح خودش ، یکی از علمای قم (خداوند رحمتش کند) به من فرمود که خوب میخواهند بدها را از خوبها جدا کنند چه اشکالی دارد! من به ایشان عرض کردم که اینها با خوبهایش بد هستند نمیخواهند بدها را بشناسند میخواهند خوبها را بشناسند و کمر خوبها را بشکنند ، حيله همیشه بوده است از اول اسلام تا حالا از اولی که بشر بوده است تا بحال یک اشخاص حيله باز چهره های مختلف در این معالک اسلامی بوده است ، چهره چهره اسلامی بسیار خوب و نماز هم میخوانند ، روزه هم میگیرند در ظاهر ولی چهره چهره اسلامی است باطنش ضد اسلام ، شناخت اینها مشکل است . شناختن اینها مشکل است و لهذا جوانهای ما را از اینها گول میخورند . شما کارگرا که خداوند انشاءالله شما را برای مملکت ما حفظ کند (آمین) و شما ارتشیا که خداوند شما را هم حفظ کند برای ما (آمین) توجه داشته باشید که امروز اسلام یک امانتی است دست من و شما . در زمان محمد رضا ما اکثرمان معذور بودیم . میگفتند سر نیزه است ما چه بکنیم با زور نمیتوانیم ، خیلی ها هم این عذرها را واقعا داشتند اما امروز سر نیزه در کار نیست ، امروز اسلام بدست ما سپرده شده است و امانتداریش را امروز از ما میخواهند ، اگر ما امروز به این گروههایی که مخالف با اسلام هستند و با اسم اسلام دارند در بین شما نفوذ میکنند ، اگر امروز ما از اینها گول بخوریم یا خدای نخواستہ دنیال اینها برویم این امانتی که دست ما بوده است به آن خیانت کرده ایم و به این امانت ما نباید خیانت بکنیم . ما باید امانتدار باشیم و اسلام را حفظ بکنیم و خداوند شماها را حفظ کند و موفق و شما اسلامی هستید و با همین خط اسلام پیش بروید و این نهضت را به پیش ببرید .

والسلام علیکم ورحمه الله - (تکبیر) .

یکصدوسی و هفتمین اطلاعیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

در مورد سازمان مجاهدین خلق .

بسم الله الرحمن الرحيم

قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادی ثم تتفکروا ما با صاحبکم

من جنہ ان هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید .

پس از سخنان روشنگرانه رهبر کبیر انقلاب در تاریخ چهارشنبه ۴ تیر ماه و تحلیل جریانی که یکی از نمودهای آن سازمان مجاهدین خلق است ، با کمال تأسف مشاهده کردیم که از طرف این سازمان اعلامیه‌ای صادر شد که هیچگونه توجیه منطقی برای اثبات خلوص و صداقت صادر کنندگان این اعلامیه در رابطه با آن بیان صمیمانه و صادقانه امام بنظر نمی‌رسید ، موضعگیری سازمان در این رابطه ما را بر آن داشت تا بخشی از نظرات خود را در باره این جریان بطور خلاصه بیان کنیم ، زیرا سکوت را در برابر این جریان پس از بیانات صریح امام جایز نمی‌دانستیم ، هر چند این اظهار نظر قدری به تاخیر افتاد .

در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در جهان حادثه‌ای شگرف و حیرت‌انگیز اتفاق افتاد ، رژیم منحط ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی سقوط کرد ، حکومت دست‌نشانده اجنبی امریکای عالم خوار به زیالهدان تاریخ افتاد و به جای آن حکومت جمهوری اسلامی پایه‌گذاری شد ، ملت‌ها در سراسر جهان این حادثه عظیم را اینگونه می‌شناسند که ملت مظلوم ایران با دست خالی به رهبری مرجع عالیقدر تقلید خود

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دست به یک انقلاب اسلامی زد و با شعار الله اکبر و مشت‌های گره کرده و سینه‌های برهنه و با وحدت کلمه به میدان تانکها و توپها و مسلسلها رفت. و علیرغم همه تلاشی که دولتهای بزرگ جهان مخصوصاً ابرقدرتها به سرکردگی امریکا نمودند تا رژیم فاسد شاهنشاهی را حفظ کنند و حکومت پهلوی را نگهدارند، ولی ملت ایران با اتکال به نیروی لایزال الهی این قدرتهای شیطانی را درهم شکست و رژیم شاهنشاهی را به رژیم جمهوری اسلامی تغییر داد. این حقایق که گفته شد نه تنها برای ملت ایران از روشنترین واقعیات است، بلکه هیچ یک از ملت‌های جهان نیز این حقایق را انکار نمیکنند و نیز جای هیچگونه تردیدی نیست که پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری قائد اعظم امام خمینی در بهشت و دوم بهمن ۵۷ در امتداد مبارزه‌ای بود که امام از سال ۴۱-۴۲ از قم آغاز کرد که به تعبیر خود امام آغاز شکوفایی این انقلاب اسلامی ۱۵ خرداد سال ۴۲ بود که این مبارزات با پشت سر گذاشتن فراز و نشیبهای فراوان بعد از ۱۶ سال به پیروزی مرحله‌ای خود در بهشت و دوم بهمن ۵۷ رسید و پس از آن نیز با رهبریها و رهنمودهای امام و فقط امام ارکان یک حکومت قانونی را یکی پس از دیگری در مدت یکسال و اندی بنا نهاد و اجزای این حادثه شگرف جهانی عبارتند از:

- ۱- انقلاب ملت ایران با هویتی صد درصد اسلامی.
 - ۲- برچیدن بساط حکومت ضد انقلاب و شکل شاهنشاهی که بدست خاندان پهلوی و بدستور امریکا در ایران عمل میکرد، که در ۲۲ بهمن ۵۷ سقوط کرد.
 - ۳- رهبری مورد قبول امت و بلامنازع امام خمینی.
 - ۴- وحدت کلمه و یکپارچگی ملت.
 - ۵- ایجاد رژیم جمهوری اسلامی ایران به فرمان امام و پیروی ملت.
- اکنون باید دید جریان سازمان مجاهدین خلق در کجای جغرافیای این انقلاب عظیم و شکوهمند تاریخی قرار دارد، آیا در متن این انقلاب و هماهنگ با آن است و یا بیرون از این حرکت الهی است، اگر در متن این انقلاب اسلامی و هماهنگ با آن است چرا با همه اجزای این حادثه شگرف تاریخ ساز در تضاد و درگیری است؟

و اگر بیرون از این حادثه تاریخی است آیا آن چیزیکه بدست ملت و توده‌های مستضعف و برهبری امام اتفاق افتاده است که حکومت دست نشانده و ننگین شاهنشاهی را نابود نموده و جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری کرده است یک جریان ارتجاعی و ضد مردمی و غیر تکاملی است؟ و یا جریان سازمان مجاهدین خلق که فاقد اجزای این حادثه عظیم جهانی است یک جریان ارتجاعی و میرا و فاقد ارزشهای تکامل است که با حرکت عظیم مردمی و روند انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن در تضاد است؟ سازمان مجاهدین خلق مدعی است که یک سازمان اسلامی است و نیز مدعی است که یک سازمان سیاسی است که با ایدئولوژی اسلام به مبارزه علیه امپریالیسم به سرکردگی امریکا برخاسته است و تاریخ تاسیس این سازمان بعد از پانزدهم خرداد سال ۴۲ است و معتقد است ۱۵ خرداد پایان مبارزات خرده بورژوا و به تعبیر دیگرشان بازاریان است که رهبری این مبارزه را روحانیت به دلیل وابستگی‌اش از لحاظ اقتصادی به این طبقه بر عهده داشت که آخرین مقاومت این طبقه در ۱۵ خرداد در هم شکسته شد و پس از آن رهبری مبارزات سیاسی اسلامی ایران را این سازمان بر عهده گرفته و نمیدانیم و نشنیده‌ایم ولی لابد معتقد هستند که سقوط رژیم شاهنشاهی که بدست ملت انجام شد به رهبری این سازمان انجام شده است و نیز به لحاظ اسم رسمی، این سازمان مدعی است که این جریان و این سازمان سیاسی ایدئولوژی نظامی از خلق برخاسته است و به خلق نیز وابسته است.

بررسی ادعاهای مجاهدین خلق

ما یکایک این ادعاها را بررسی میکنیم تا معلوم شود تا چه حد با واقعیات منطبق است. باید دید ادعای اول این سازمان که سازمانی اسلامی است چه مفهومی دارد و این اسلام کدام اسلام است و از کجا کشف شده و بدست آمده است آنچه مسلم است مقصود سازمان از ادعای اسلامی بودن این نیست که اعضای این سازمان و هوادارانش مسلمانند زیرا مسلمان بودن افراد یک گروه و یا حزب و یا سازمان غیر از اسلامی بودن مبانی و اصول حرکت یک سازمان سیاسی

است.

این حقیقت نه بر اعضا سازمان پوشیده است و نه بر ملت ایران که اسلام سازمان مجاهدین خلق غیر از اسلامی است که امام از آن سخن میگوید و امت نیز بدان معتقد است ، لذا همیشه دیده‌ایم و می‌بینیم که عملکرد این سازمان غیر از عملکرد امام و امت است اکنون باید دید آیا اسلام امام و امت مسلمان اسلام راستین است که در اعماق تاریخ به اسلام محمد (ص) پیامبر خدا متصل میشود و به اسلام همه انبیاء الهی که ریشه در وحی دارد؟ و یا اسلام سازمان مجاهدین خلق و به عبارت دیگر آیا این خلق است که در اعتقاد خود به اسلام و به رهبری آن به انحراف کشیده شده است یا سازمان مجاهدین خلق؟ زهی گستاخی اگر کسانی خلق خدا این دریای عظیم انسانها را به انحراف متهم کنند تا خود را تبرئه نمایند و سخن دیگر اینکه اگر چنین باشد پس ادعای این سازمان که یک سازمان اسلامی است و از خلق برخاسته است بی پایه خواهد بود زیرا اسلام این سازمان با اسلام خلق در تضاد است!

چطور اسلام مجاهدین خلق با کفر دشمنان اسلام سازگاری دارد؟!

سؤال دیگری بشدت مطرح است که آیا اسلام امام و امت مسلمان اسلام راستین است که با همه مظاهر کفر و شرک و طاغوت در چهره‌های شرقی و غربی آن در جنگ و ستیز است یا اسلام سازمان مجاهدین خلق که در کنار کفر شرق نشسته است و با سازمانهای ضد اسلامی آنچنان وحدت در موضعگیریهای سیاسی و وحدت در میدان عمل دارد که گویا دو کودک زائیده شده از یک مادرند؟ و با این همه مدعی است که با کفر و ظلم غرب در حال مبارزه و نبرد است!

سؤال دیگری که باید رهبران سازمان مجاهدین خلق به آن دسته از اعضا و هواداران خود که به عشق اسلام ، فریب این سازمان را خورده‌اند و به آن پناه برده‌اند بدهند ، این است که : اگر اسلام مکتبی است بر پایه توحید و حقیقت مطلق در هستی و وجود ، بدون تردید مبانی و اصول آن باید غیر از مبانی و اصول مکتبی باشد که دقیقا " در پی نفی این حقیقت مطلق در هستی است . و آیا اصول

و مبانی اسلامیکه که شما مدعی آن هستید در ریشه و عمق غیر از اصول مارکسیست چیز دیگری است و جز آنکه شما برای توجیه همان اصول و مبانی آیاتی از قرآن و جملاتی از نهج البلاغه را به استخدام کشیده‌اید؟ و اگر جز آن است چرا همه جا سخن شما و آنان یکی است؟ چرا موضعگیریهای شما و آنان نهایتاً "یکی است؟ آیا شما به این دلیل مدعی اسلام راستین هستید که پس از پیروزی انقلاب همه دشمنان راستین مانند چریکهای فدائی خلق و سران حزب دمکرات و یا دشمنان رسمی اسلام که تکنوازی میکنند شما را تأیید میکنند؟ و آیا هواداران این سازمان کادر رهبری فعلی سازمان را با شهامت و با صداقت بیشتر میدانند؟

و با آن دونفری که در نجف خدمت امام رسیدند که اسلام راستین و ساخته دست خود را به امام عرضه کنند و داستان‌شان همچون داستان آن یهودی و آن عالم اسلامی و قتیکه دیدند امام به عمق عقاید آنان بی برد و آنها را اسلامی ندانست و جنگ مسلحانه آنان را هم امری بی فرجام دانست لذا از خدمت امام رفتند و بعدها دیدیم که رسماً "مارکسیست از آب درآمدند!

و به نظر ما اگر کادر رهبری سازمان بعد از بیانات امام از انحراف خود دست برندارند و به آغوش اسلام و ملت برنگردند یا شهامت آنرا ندارند که به مارکسیست بودن خود اعتراف کنند، و یا در برخورد با هواداران خود بی صداقتند.

هر چند که ما معتقدیم پس از افشاگریهای امام در باره ماهیت این سازمان عده‌ای بیشمار از اعضا و هواداران سازمان به آغوش اسلام و امت اسلامی برمیگردند و باقیمانده آنان به سرنوشت چریکهای فدائی خلق در برابر انقلاب اسلامی محکوم خواهند شد چه رسماً "موضع مارکسیستی خود را اعلام کنند یا همچنان مخفی نگهدارند. دلائل و شواهدی بسیاری هست که غیر اسلامی بودن اسلام سازمان و مبانی آن را بر ملا میکند و پرده را از روی ماهیت غیر اسلامی سازمان برمیدارد.

اسلام مجاهدین

ولی ما توضیح و تفصیل این دلائل و شواهد را به آئینده موکول میکنیم که به

یاری خدا این دلائل و شواهد را در فرصت مناسب یک به یک برخواهیم شمرد و اما آنچه در اینجا مادری آن هستیم اینست که نشان دهیم اسلام سازمان مجاهدین خلق در متن جریان اسلامی امت اسلام نیست بلکه پدیده‌ای است ساخته شده در بیرون حلقه‌های به هم پیوسته تاریخ اسلام تا مرکز وحی که سعی میکند خود را به تاریخ اسلام تحمیل کند و اما اینکه سازمان مجاهدین خلق مدعی است که یک سازمان سیاسی است که به مبارزه علیه امپریالیسم به سرکردگی امریکا برخاسته است و معتقد است که این سازمان زمانی تاسیس شد که مبارزات روحانیت که نماینده طیفه خرده بورژوا جامعه است در ۱۵ خرداد به پایان رسیده بود!

سؤال از هواداران

اولاً "از هواداران این سازمان سؤال میشود که مگر پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ ادامه همان انقلاب ۱۵ خرداد نبود؟ مگر رهبری این مبارزه در آغاز و انجام بدست یکنفر و آنهم امام نبود و نیست؟ مگر آنانکه در ۵۶ - ۵۷ به خیابانها ریختند و با فریاد الله اکبر به مبارزه برخاستند همان مردم و ملت نبودند که در سال ۴۱ - ۴۲ و ۱۵ خردادش مبارزه میکردند؟ و با همان شیوه‌های سال ۴۲ در اشکال تکامل یافته‌اش نه با جنگ مسلحانه مورد ادعای سازمان آیا مگر رژیم منحط پهلوی دست نشانده آمریکا نبود و اگر بود این رژیم را چه کسی نابود ساخت؟ امام و در پشت سرش امت اسلام یا سازمان مجاهدین خلق و هواداران‌شان و اگر همه میدانند و سازمان نیز بخوبی میداند که رژیم شاهنشاهی و دست نشانده آمریکا در ایران به دست امت اسلام به رهبری امام سقوط کرد و به جای آن جمهوری اسلامی و فقط اسلامی نه چیز دیگر مستقر گردید پس تردید نیست که در این نبرد آمریکا در یک صحنه است و ملت ایران همراه اما مش طرف دیگر این صحنه، و رهبران این سازمان که پیش از سقوط رژیم با امام مخالف بودند زیرا که مواضع سازمان را نپذیرفته بود و این مخالفت را همه جا بخصوص در زندان اعلام کرده‌اند و پس از سقوط رژیم نیز با امام و روشهای او مخالف بوده و هستند در این صورت آیا سازمان مجاهدین خلق در برابر امپریالیزم آمریکا ایستاده است یا در برابر سرسخت‌ترین دشمن

امریکا که امتی نیز پشت سر اوست؟ آیا خود را کاملاً "میشناسید یا خدا را فراموش کرده‌اید تا خدا هم خویشنتان را به فراموشیتان سپرده است؟

آیا سازمان مجاهدین خلق که پس از پیروزی انقلاب مورد قبول حمایت ساواکیهائی از قبیل عزالدین حسینی‌ها و متین‌دفتری‌ها و نزیه‌ها و نظایر آنان بوده و هست و نیز از همدستی و همداستانی قاسملوها و سایر نوکران اجنبی برخوردار بوده است و مورد حمایت رادیوهای صدای آمریکا و رادیو بغداد و چندین رادیوی دیگری که تردیدی نیست که بدست آمریکا و نوکران او اداره میشود میباشد آیا باز هم این سازمان مدعی است که با امریالیزم مبارزه میکند؟ بله در شعارها چنین است، ولی در عمل این ماهیت سازمان است که با همه مخالفین سیاسی انقلاب اسلامی ایران به وحدت در میدان عمل رسیده است امروز همه ملت‌ها قبول دارند که خلق ایران بر رهبری امام خمینی در حال مبارزه با آمریکا است در اینصورت سازمان مجاهدین خلق که پس از پیروزی انقلاب همه جا با رهبر و قهر "با خلق ایران در تضاد و درگیری بوده است آیا میتواند مدعی شود که مبارزات سیاسی آن پایگاه خلقی دارد و یا باید صادقانه بپذیرد که دائماً "پس از پیروزی انقلاب به موضعگیریهای ضد خلقی دست زده است که در اینصورت باید بپذیرد که خود را به خلق نسبت دادن و خلق را همراه و همگام خود معرفی نمودن و نام سازمان مجاهدین خلق بر خود گذاشتن از منشاء نفاق سرچشمه میگردد. تا اینجا ما به بررسی دو مسئله بطور خلاصه پرداختیم و آن اینکه سازمان مجاهدین خلق فاقد دو عنصر اصلی حرکت انقلابی ملت ایران است.

امامت و رهبری انقلاب

در اینجا به مسئله سومی می‌پردازیم که محور اصلی بحث ما را با سازمان تشکیل میدهد و آن مسئله امامت و رهبری انقلاب است.

برای توده‌های میلیونی ملت ایران و ملل مسلمان جهان جای هیچگونه تردیدی نیست که عامل تعیین کننده در جهت بخشیدن و شتاب دادن و پیروزی انقلاب ایران امامت و رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی است که از مقوله امامت

و رهبری انبیاء الهی در تاریخ انقلابات بشری است امروز برای آقایان و عالمان به روند حرکت تاریخ و آنانکه فلسفه حرکت‌های انقلابی را در تاریخ بشرو نیز جهت سیر تاریخ و هدف آن را می‌شناسند، تردیدی نیست که امامت رهبر کاروان بشریت بر سر دو راهی سقوط نهائی به چپ و راست صراط مستقیم را می‌نمایاند و رسالت جهانی ایفا میکند.

رهبری امام از مقوله امامتی است که در فرهنگ تشیع سرخ، معیار و میزان کامل برای تشخیص حق از باطل است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران وارث امامتی است که در تاریخ اسلام، یازده امام معصوم بر سر آن جان باخته‌اند و شیعه برای رسیدن به آخرین حلقه این امامت و قله رفیع این رسالت جهانی در طول بیش از ۱۱ قرن دست به انقلابات خونباری زده است که انقلاب اسلامی ایران یکی از درخشانترین مراحل این نبرد تاریخی است.

امامت رهبر انقلاب اسلامی ایران از نوع رهبریهای اجتماعی بر اساس انتخابات و رای‌گیریهای رایج و شناخته شده، زمان نیست و نیز از نوع رهبریهای آنچنانی درون‌گروهی و درون‌سازمانی نیست که از مقوله امامتی است که قرآن اساس آن را بیان کرده است که:

و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات ، فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما
امامت است که خدای توانا بنیان آن را استوار کرده است و ملت مسلمان ایران با گذر از میدانهای خونین مبارزه، به افتخار درک چنین امامتی نائل شده و پس از شناخت عمیق امام خود، با همه وجود با او بیعت نموده است و همچنان بر سر این بیعت استوار خواهد بود و امروز انقلابی‌ترین مسلمان کسی است که بتواند خود را با امام و رهبر کبیر انقلاب هر چه بیشتر هماهنگ کند.

امروز هر فرد و یا هر گروه که از محور و رکن اساسی انقلاب اسلامی ایران یعنی امام در جهت‌گیریها و موضع‌گیریهای سیاسی و مکتبی دور باشد به میزان دور بودنش فاقد سایر اجزاء اصلی این حرکت الهی مردمی است و تا آنجا که این فاصله بعضی از افراد و یا گروهها را به صف انقلاب وارد میکند،

این حقیقت آشکار برای کسانی که معتقد به خدا و قیامتند و پیامبران خدا

را باور دارند قابل انکار نیست و آنانکه بر این باورها نیستند و مدعی ایمان به خلقند نیز نمیتوانند انکار کنند که خلق یعنی همانانکه اصلی‌ترین نیروی رزمنده و جان بر کف این انقلاب بوده و هستند یعنی همان توده‌های مستضعف،

تنها امام میزان تشخیص حق از باطل است .

این حقیقت آشکار یعنی امامت امام و فقط امام را در این انقلاب پذیرفته‌اند ، پس با هر باوری و با هر مکتبی که انقلاب ایران را تحلیل کنیم باید بپذیریم که امام و تنها امام میزان تشخیص حق از باطل و انقلابی از غیر انقلابی و خلقی از غیر خلقی است که اکنون در اینجا از سازمان مجاهدین خلق سؤال میشود که با چشم پوشی از مواضع شما در برابر امام پیش از سقوط رژیم شاهنشاهی پس از پیروزی انقلاب موضعگیریهای شما در برابر امام آیا هماهنگی بوده است یا مخالفت ، سراسر عملکرد شما پس از پیروزی انقلاب مخالفت با امام و رهبریهایش بوده است امام همیشه گروههای چپ امریکائی و مخالفتهای آنان را در گوشه و کنار مملکت و در همه جا محکوم کرده است و شما با صریحا " و یا با سکوت آنان را تائید و حمایت کرده‌اید و چگونه معتقد نباشیم که با آنان همکاری نیز کرده‌اید ، امام ارتش را با توجه به شرایط خاص پس از انقلاب دائما " حمایت کرده و میکند و شما هماهنگ ، با گروههای ضد اسلامی و نیز ضد انقلاب خواستار انحلال ارتش بودید و نمیتوانیم باور کنیم که شما آن شرایط را حس نمی‌کردید ، امام همیشه به مطبوعات حالتی اعتراضی داشت و بعضی از آنها مانند آیندگان را محکوم کرد و شما همیشه از آنها حمایت کردید مطبوعات و نویسندگانی که حتی خود شما را در گذشته به بدترین زشتیها و تهمتها محکوم میکرد و پس از پیروزی انقلاب ارگان سازمان شما و سایر سازمانها و گروههای ضد اسلامی و ضد انقلاب شده بود و شما بدان رضایت دادید و هرگز سخن از تصفیه آنها نگفتید ، امام همیشه بعد از پیروزی انقلاب هرگونه اعتصاب و تحصن را محکوم میکرد و مخالف مصالح ملت و مملکت میدانست و شما برای یکبار هم صریحا " با این اعتصابات و تحصن‌ها مخالفت نکردید و در بسیاری از موارد آتش بیار معرکه‌هم بودید امام با همه شناختی که از ضعفهای

روحانیت داشت ولی با توجه به اصالت این نهاد اسلامی که بنیان گذار آن شخص پیامبر اسلام است و با توجه به عملکرد آن در تاریخ اسلام با همه فراز و نشیبهای آن و با توجه به بار فرهنگی ای که این کاروان علمی در طول ۱۴۰۰ سال با خود دارد و با توجه به اینکه تنها سنگری است که در تاریخ در برابر ظلمها و جباریها پابرجا مانده است همیشه از این نهاد تاریخی اسلامی حمایت کرد و میکند ولی شما همواره این شجره طیبه را مورد حمله قرار داده اید و روشیکه شاه مخلوع و پدرش در برابر روحانیت در پیش گرفتند شما همان روش را در پیش گرفتید و براحتی لقب ارتجاع به آن دادید. ولی با روحانی نمای مزدور و نوکر شاه یعنی عزالدین حسینی که امام او را مورد حمله قرار میدهد، عقد اخوت می بندید و او را رهبر مذهبی کرد هرفی میکنید که این خود توهینی به مسلمانان کرد است و در باره کمیته‌ها و سپاه پاسدارها و جهاد سازندگی و دادگاههای انقلاب و دیگر نهادهای انقلابی چه‌ها که نگفتید و نکردید و فقط باید پرسید شما پس از پیروزی انقلاب برای این ملت چه کردید جز تحریک احساسات، جز بزرگ جلوه دادن ضعفها که خود میدانید

هر انقلابی پس از پیروزی الزاما" با آن ضعفها دست به‌گریبان است جز ایجاد صحسنه‌های مخالف خوانی علیه رژیم تازه بدنیآ آمده و جز انجام هرگونه عمل که میتواند در تضعیف انقلاب و رهبری آن بکار گرفته شود، ما که سازمان مجاهدین خلق را بنا بر باورهای خودمان که امام میزان حق و باطل است می‌سنجیم با کمال تأسف میبینیم در فاصله بسیار دور از محور رهبری و امامت انقلاب است بطوریکه مطمئن میشویم هیچگونه ایمانی به رهبری انقلاب ندارد ولی هنگامیکه می‌بینیم مرتب اعلامیه صادر میکند که ما رهبری امام را قبول داریم بی اختیار بیاد این آیه از قرآن می‌افتیم که :

اذ جاءك المنافقون قالوا نشهد انك لرسول الله و الله يعلم انك لرسوله و الله

يشهدان المنافقين لكاذبون .

خداوندا جامعه اسلامی را از چهره‌های نفاق پالایش فرما و اما اینکه سازمان مجاهدین خلق فاقد چهارمین رجز از این انقلاب و پیروزی آنست یعنی مسئله وحدت و یکپارچگی که امام بارها و بارها در همان روزها که این سازمان و

بسیاری از گروهها و دستجات دیگر ساز مخالف مینواختند بروحسدت و یکپارچگی تاکید میکردند و در بیان معترضان خود بدون نشانه به نقش رهبری، ایمان به خدا و وحدت را که عامل پیروزی معرفی میکردند اکنون باید دید که سازمان مجاهدین خلق با انقلاب توده‌های انقلابی متحد شد و یا خواست که متحد شود و اگر این سازمان مدعی باشد که ما همیشه در پی اتحاد بوده‌ایم، باید پرسید آیا توده‌های میلیونی یعنی نیروهای اصیل انقلاب باید خود را با شما هماهنگ و متحد کنند یا شما باید خود را در درهای انسانها فانی کنید؟ آیا به این توده‌های میلیونی که وقت‌سنی فرزندان خود را می‌بینند که راه خود را از راه او جدا کرده‌اند، با همه وجود احساس درد میکند و از حلقوم امامش فریاد اتحاد سر میدهند و شما را به بازگشتن به صف ملت میخواند

مخالفت شما با همه مراحل انقلاب

و یا این شما هستید که هر وقت و در هر مرحله‌ای پس از پیروزی انقلاب این ملت خواست قدمی بردارد شما نغمه مخالف سردادید و راه خود را از راه ملت جدا کردید، در فرماندم جمهوری اسلامی که البته در نهایت ادامه مخالفت را به صلاح خود ندیدید و در مجلس خبرگان و در قانون اساسی و در انتخابات ریاست جمهوری و در انتخابات مجلس شورای اسلامی و در هر کجای دیگر شما بساط مخالفت براه انداختید و ایجاد نگرانی برای ملت کردید، آیا باز هم شعار اتحاد سر میدهند و توقع دارید خلق از شما بپذیرد؟

و اما اینکه سازمان مجاهدین خلق فاقد پنجمین جزء از اجزائی است که ما برای انقلاب ایران برشمردیم یعنی ایجاد جمهوری اسلامی همینقدر اکتفا میکنیم که در طول چندین سال که بر عمر این سازمان پیش از سقوط رژیم شاهنشاهی گذشت هرگز یکبار شنیده نشد که این سازمان یکی از اهداف خود را در مبارزات سیاسی اش ایجاد جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده باشد و اگر شعاری در این رابطه داشتند همیشه مانند بسیاری از شعارهای دیگرشان مبهم و دوپهلو بوده است.

زشت‌ترین شیوه برخورد با امام

اکنون با توجه به همه آنچه که گفته شد از عملکرد این سازمان و مخالفت‌های آن با امام و با انقلاب با حفظ وحدت یکپارچگی با جمهوری اسلامی و نهادهای آن بسیار جالب توجه است که بشنوید که پس از سخنان رهبر انقلاب و تحلیل ماهیت مکتبی - سیاسی سازمان، اعلامیه‌ای صادر میشود که یکی از زشت‌ترین شیوه‌های برخورد سازمان مجاهدین خلق با امام است. اعلام کردند که دفاترشان را تعطیل میکنند تا زمانی که مسئولین مملکتی حق آزادی فعالیت‌های سیاسی آنان را بشناسند و تعیین کنند! ما در این رابطه دو مسئله را تحلیل میکنیم. یکی اینکه شما پس از یکسال و نیم که از پیروزی انقلاب گذشته است تازه تقاضای آزادی فعالیت‌های سیاسی میکنید! پس آنچه تاکنون انجام داده‌اید. نامش چیست؟

و بچه منظور بوده است؟ گویا که خود شما هم میدانید عملکردتان در این یکسال و نیم در قاموس فعالیت‌های سیاسی نمی‌گنجد و برای آن نام دیگری برآورده است. مگر شما در انتخابات مجلس شورای اسلامی با نام و نشان سازمانی خود فعالیت نکردید و بیشترین دردسر را برای مسئولین امور ایجاد نمودید؟ و مگر شما در انتخابات ریاست جمهوری بر خلاف قانون اساسی به میدان نیامدید و عزالدین حسینی‌ها را در نقاط مختلف و بدتر از آنها را در مرکز، به یاری نگرفتید و وقتیکه این یار و رفیق جمع کردن‌ها به رسوائی کشید و امام هم نامزدی کاندیدای انتخاباتی شما را بدلیل بی اعتقادیش به قانون اساسی مخالف روح و محتوای قانون اساسی اعلام نمود و در نتیجه از پیروزی احتمالی در انتخابات ناامید شدید از صحنه بیرون رفتید و مگر در انتخابات خبرگان شرکت نکردید؟ و مگر رفرا ندوم قانون اساسی را تحریم نکردید؟ و مگر اعلام نکردید که دفاترتان فعلاً "تعطیل است؟ پس اگر تاکنون باز بوده است و فعالیت داشته است در چه زمینه‌هایی فعالیت میکرده است؟ آیا در زمینه‌های غیر سیاسی بوده است؟ سازمان به ملت ایران نه هواداران خود پاسخ بدهد و اما مسئله دوم در رابطه با اعلامیه شکل موضعگیری سازمان در برابر امام است. آخر مگر شما قیامت را باور ندارید؟ مگر شما نباید در

رستاخیز عالمگیر در محضر حق و در برابر خلائق پاسخگوی آنچه را که عمل میکنید باشید؟ مگر امام با شما به مقابله سیاسی برخاسته است؟ مگر شما به سازمان خود تا آنجا اهمیت میدهید که امام را رقیب سیاسی خود میدانید؟

" قاتلهم الله انی یحفکون "

امام در مسند ارشاد و هدایت پیامبرانه است و شما را از عاقبت کاریکه در پیش گرفته‌اید با خیر میکند .

" ان هو الا نظیر لکم بمن یدیه عذاب شدید "

تعطیل دفاتر

امام هشدارتان میدهد که اگر دم از اسلام میزنید بدانید و بترسید که آنچه را که شما از آن سخن میگویید اسلام نیست و اگر معتقدید که هر که در اسلام نیست در ضلالت است بدانید که در پایانش عذابی شدید و جهنم است و شما دفاتر خود را تعطیل میکنید ، مگر اسلام التقاطی با تعطیل دفاتر به اسلام راستین بر میگردد؟ شما در پی بازپس گرفتن حق آزادیهای سیاسی هستید مگر امام شما را از فعالیتهای سیاسی ممنوع کرده است و مگر در صورتیکه همه مسئولین امور برای صدمین بار اعلام کنند که شما آزاد هستید این آزادی ، شما را از انحراف آزادتان میکند که امام شما را از آن میترساند مگر آزادی در فعالیتهای سیاسی آزادی از عذاب شدید است که امام اندارتان میکند ، بیایید و این نصایح پدران را بشنوید ، بیایید و به آغوش اسلام و ملت برگردید ، بیایید و به خون جوانان این ملت که با اینثار و فداکاریهایشان به این سازمان آبرو بخشیدند احترام بگذارید . بیایید به مادرانی که به عشق اسلام فرزندان خود را فدا کردند تا این سازمان اسلام را در ایران حاکم سازد صادقانه بگوئید که ما سراب را به جای آب به شما نشان داده‌ایم ولی امروز اعتراف میکنیم که سرچشمه آب زلال اسلام جای دیگر است ، و آن امام است ، بیایید و داستان خوارج را در تاریخ اسلام تکرار نکنید ، بیایید و با اصلاح وضع خود اجازه ندهید سازمانی را که با خون جوانان صادق و پاک باخته و مسلمان رنگین است به کانونی برای استفاده افراد و دستجات ضد انقلاب تبدیل شود ،

بیایید و برای پوشاندن ضعفهای خود و فریب جوانان معصوم دست به درگیری‌ها و درگیر شدن‌های بیپرده زنید و دشمنان موهوم برای هواداران معصوم ایجاد نکنید . بیایید و خدا را و تنها خدا را در نظر بگیرید که فردا همه در پیشگاه خدا باید به پاسخ بایستیم .

ما تا اینجا اندکی از بسیار را گفتیم و هنوز بسیاری از آنچه را که میدانیم ، از آنچه را که شما عمل کرده‌اید نگفتیم . نگفتیم که شما در مقابل اشغال لانه جاسوسی چه موضعگیری‌های متناقضی کردید ، نگفتیم چه دشمنان ما نسبت دادید . نگفتیم که علیه ما با مهره‌های امریکائی و با دلباختگان غربی و غرب زده ها چگونه هم آواز شدید و نگفتیم در آنروزها که ملت قهرمان ایران با همه احساس وجود از تصرف مرکز توطئه و جاسوسی امریکا حمایت میکرد شما در مقابل لانه جاسوسی و در نقاط مختلف و در بین جوانان مسلمان و پرشور چه سوء استفاده هائی به نفع خود کردید و بسیار چیزهایی دیگر را نیز نگفتیم .

سخنی با هواداران

در پایان سخنی چند با هواداران سازمان مجاهدین خلق : شما ای برادران و خواهران مسلمان که به عشق اسلام و قرآن به این سازمان پناه برده‌اید . بدانید که عالی‌ترین مقام یک مسلمان تسلیم در برابر خداست . تسلیم در برابر حق است و رضایت او را بر هر چیزی و بر رضای هر کسی مقدم داشتن . شما ای برادران و خواهران مسلمان برای اینکه فردا در برابر خدا پاسخگوی آنچه را که امروز انجام میدهید باشید ، ساعتی خود را از هرگونه تعصبی خالی کنید و نیز از هرگونه محبت و پاکینه و نفرت از هر کسی و هر گروهی و دسته‌ای ، و سپس ببندید که نشانه‌های حق و باطل چیست . شعارها شما را نفریبند که عمل میزان ملاک سنجش و پاداش و کیفر است ، با خود ببندید که امروز چه کسی وارث پیامبران است و راهش کدام است با خود ببندید که در سنگری که هستید چه کسانی و چه گروه‌هایی با شما همسنگرند .

دشمن اصلی را بشناسید و ببینید کدام جبهه را نشان گرفته است . ببینید

در تقسیم بندی جهانی جنبه حق و باطل شما در کدام جنبه هستید، امامی برای خود برگزینید که شما را به صلاح و تقوی دعوت میکند، امامی برگزینید که خدا را به یاد شما میآورد، امامی برگزینید که شما را بسوی خدا و رضای او رهنمون میشود. امامی برگزینید که همراههای خیر و صلاح را میشناسد و شما را بدانها رهبری میکند و ما بر حسب وظیفه الهی خود آن امام را و راهش را به شما معرفی کردیم و وظیفه خود را در باره شما انجام دادیم. ولا حول ولا قوت الا بالله.

والسلام علی عباد الله الصالحین

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

امام خمینی :

وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرتها
بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم
بشرط اینکه روشنفکران دست از غرب
و شرق و غرب زدگی و شرق زدگی
بردارند و صراط مستقیم اسلام و ملیت
را دنبال کنند.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام